

## فصلنامهٔ لسان مبین (پژوهش ادب عربی)

(علمی - پژوهشی)

سال هشتم، دورهٔ جدید، شمارهٔ بیست و هشتم، تابستان ۱۳۹۶، ص ۱-۲۷

رویکردهای زبانی در تحلیل گفتمان مناظره امام رضا<sup>(ع)</sup> با ابوقره صاحب شبرمه

(مطالعه موردی کلام الهی)\*

زری انصاری نیا، دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب از دانشگاه الزهراء<sup>(س)</sup>

انسبه خزعلی، دانشیار زبان و ادبیات عرب از دانشگاه الزهراء<sup>(س)</sup>

### چکیده

قرآن، بحث‌های استدلالی دربارهٔ اصول اسلامی را بر پایهٔ تعقل و تفکر گذاشته است، و همواره از مردم می‌خواهد که با دلایل محکم و استدلال‌های یقینی به ایمان برسند، همانطور که امام رضا<sup>(ع)</sup> از طریق مناظرات با فرقه‌های مختلف به شناساندن و به فکر انداختن اصول اعتقادی اسلام می‌پرداخت. در عصر حاضر توجه به ظرافت‌های زبانی و رویکردهای متعدد تحلیل کلامی، بهتر از گذشته لایه‌های درونی کلام را آشکار می‌سازد. پژوهش حاضر با شیوهٔ توصیفی - تحلیلی و با استفاده از زبان شناسی و بحث تحلیل گفتمان پایه ریزی شده است. تبیین عملیاتی این تحقیق برپایهٔ ابزارهای زبانی برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی مربع ایدئولوژیک ون دایک است که می‌تواند نقش مهمی را در تحلیل نهایی این مناظره داشته باشد. امام<sup>(ع)</sup> از ابزارهای زبانی برای اثرگذاری در مخاطب و اقناع وی و خنثی نمودن استدلال او بهره می‌برد. در این میان استفاده از ادات تأکید و بکاربردن انواع اسم‌ها از جمله اسم مصدر و افعال خاص و بینامتنیت قرآنی به برجسته‌سازی محورهای اصلی در مناظره امام<sup>(ع)</sup> نقشی بسزا دارد همچنان که پاسخ انحرافی به سؤالات ابوقره و بدون تأکید یا کاربرد مناسب استفهام و بکارگیری الفظی با بارمعنایی اندک، در به حاشیه راندن برخی مفاهیم رقیب نمود ویژه یافته است.

کلمات کلیدی: تحلیل گفتمان، مربع ایدئولوژیک، امام رضا<sup>(ع)</sup>، ابوقره، برجسته سازی، حاشیه رانی.

\* - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۰۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۶/۰۳

نشانی پست الکترونیکی نویسنده (نویسندهٔ مسؤول): z.ansarinia@alzahra.ac.ir

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسأله

علم کلام یکی از علوم اسلامی است که درباره عقاید اسلامی؛ یعنی آنچه از نظر اسلام باید به آن‌ها اعتقاد داشت، بحث می‌کند، درباره آن توضیح می‌دهد و برای اثبات آن عقاید، با دلایل عقلی و نقلی (آیات و روایات) استدلال و از آن‌ها دفاع می‌کند.

گفتمان حاصل تعامل کنش‌های زبانی و غیرزبانی، اندیشگانی، فرهنگی صاحبان فکر و بیان و در برخی موارد انعکاسی از ایدئولوژی حاکم است. صورت یا ساختمان کلام، برگرفته از عناصر اصلی زبان، قواعد دستوری و واژگانی است؛ اما «آنچه معنا و پیام یک کلام را تعیین می‌کند، مجموع صورت‌های عناصر تشکیل‌دهنده آن نیست، بلکه عوامل غیرزبانی (برون زبانی) در تعیین معنای کلام نقشی بسیار مؤثر دارند. لذا معنا و مفهوم محتوای کلام نتیجه عناصر درون زبانی (متنی) و برون زبانی (موقعیتی، فرهنگی و...) است که حاصل تعامل با یکدیگرند.» (آقاگل زاده، ۱۳۸۵ش: ۱۵)

«تحلیل گفتمان چگونگی تبلور و شکل‌گیری و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه متن) و محیط بلافصل زبانی مربوط و نیز کل نظام زبانی و عوامل برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی، موقعیتی) بررسی می‌کند.» (فرکلاف، ۱۳۸۹ش: ۸) از این رو، در واکاوی و تحلیل گفتمان، می‌توان با بهره از روساخت‌های کلامی و زیرساخت‌های دلالتی، به معانی تازه دست یافت و به خطوط فکری، ایدئولوژیک و اهداف ارتباطی و کنشی گفتمان پی برد.

در سایه چنین نگرش به زبان، این تحقیق به بررسی مناظره امام<sup>(ع)</sup> با ابوقره صاحب شبرمه می‌پردازد. نگرش‌های گفتمانی متعددی چه در حوزه زبان‌شناسی و چه در حوزه فلسفه و اندیشه سیاسی وجود دارد؛ ولی در این تحقیق نگرشی به گفتمان مطمح نظر است که بیشترین همسویی نظری را با مفاهیم و رویکردهای زبانی از جمله برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی داشته باشد. مقاله حاضر با توجه به نقشی مهم که عوامل و سازکارهای زبانی در بازتولید ایدئولوژی حاکم بر متن ایفا می‌کنند، مناظره امام<sup>(ع)</sup> را با ابوقره بررسی و تحلیل می‌کند؛ زیرا کشف لایه‌های زیرین آن، جنبه‌های سطحی که مربوط به سازمان‌دهی ساختاری کلام است، می‌تواند به

ظهور یک بینش بارور و عمیق‌تر منجر شود. شناخت زبان به مفهوم گفتمانی آن ابزار مناسبی برای تحلیلی واقع‌گرایانه از اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های طرفین مناظره را فراهم می‌سازد. اگرچه پدیدهٔ مناظرات از جنبه‌هایی گوناگون مورد توجه قرار گرفته است، همچنان زوایایی مبهم وجود دارد که قابل پژوهش و تأمل است. این تحقیق بر آن است تا به بحث مناظرات از زاویه‌ای متفاوت بنگرد، از زاویهٔ زبان و زبان‌شناسی. بررسی چگونگی شکل‌گیری این پدیدهٔ فرهنگی نتایجی جالب توجه در پی خواهد داشت و بسیاری از فعل و انفعالات درونی آن را روشن خواهد ساخت. از این رو، جستار حاضر تلاش می‌کند به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱) کدامیک از عناصر زبانی در برجسته‌سازی کلام امام<sup>(ع)</sup> مؤثر بوده است؟

۲) رویکردهای زبانی مؤثر در به حاشیه راندن سخنان طرف مناظره چه بوده است؟

این مقاله از نوع پژوهش بنیادی بوده، با روش تحقیق کیفی مبتنی بر تحلیل گفتمان و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به مطالعهٔ مناظرهٔ امام رضا<sup>(ع)</sup> می‌پردازد که با توجه به روش، اصول و بررسی چگونگی فرایند مناظره ای ایشان می‌توان به عنوان روشی کاربردی پیشنهاد داد.

## ۲-۱. پیشینهٔ تحقیق

با وجود پژوهش‌های متعدد در باب مناظرات امام رضا<sup>(ع)</sup>، پژوهشی از منظر زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان در آن موضوع انجام نشده است، حتی در بحث‌های مشابه تحلیل گفتمانی به این مناظرات از منظر جامعه‌شناسی، کلامی و اخلاقی یا تقریبی نگاه شده که با پژوهش حاضر که صرفاً از بعد کنش‌های زبانی و تأثیرگذاری‌های گفتاری با شاخصه‌های جدید در نظریهٔ ون دایک می‌پردازد، تفاوت جدی دارد. به برخی از پژوهش‌های مرتبط و تفاوت آن‌ها با تحقیق پیش رو توجه داده می‌شود:

پژوهشی با رویکرد تحلیل گفتمان و با عنوان «تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا<sup>(ع)</sup>»<sup>(۱)</sup> به قلم حسن مجیدی انجام شده که در مجلهٔ فرهنگ رضوی به چاپ رسیده است. مجیدی در این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی هست که از منظر تحلیل گفتمان، مناظره‌های امام رضا<sup>(ع)</sup> با دیگر ادیان و فرق مختلف چگونه تحلیل می‌شود؟

مجیدی به بررسی مناظره‌های امام رضا<sup>(ع)</sup> با ادیان و فرق مختلف بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی ون دایک و با توجه به برخی از مقوله‌های اجتماعی تحلیل گفتمان انتقادی با عنایت به بافت موقعیتی به تحلیل داده‌ها پرداخته؛ ولی نگاه ابزارهای زبانی از قبیل برجسته‌سازی و

حاشیه‌رانی زبانی در این پژوهش صورت نگرفته است. مجیدی نشان می‌دهد که امام<sup>(ع)</sup> با استفاده از نقل قول و بهره‌گیری از تشبیه استعاره و انسجام در کلام و بیان خویش، به اثبات حقانیت و رد عقاید اهل کتاب از کتاب‌های آسمانی آن‌ها و تأیید نکردن عقاید برخی مسلمانان با استناد به آیه‌های قرآن پرداخته‌اند و با کمال دقت و احترام شرایط محیطی را برای اثبات امامت و خاتمیت پیامبر<sup>(ص)</sup> تغییر داده است.

مقاله علمی - پژوهشی دیگر «راهبرهای تقریب ادیان و مذاهب در سیره رضوی با تأکید بر مناظرات و احتجاجات» (۱۳۹۵ش) نوشته فاطمه خادمی و دیگران است که در شماره سیزدهم مجله علمی - پژوهشی فرهنگ رضوی چاپ شده است. در این مقاله، پژوهشگران به واکاوی راهبردهای امام رضا<sup>(ع)</sup> در مسأله تقریب ادیان و مذاهب پرداختند؛ با این هدف که بتوانند از این راهبردها برای وحدت مذاهب اسلامی در جهان معاصر استفاده نمایند. مقاله درصدد پاسخ به این پرسش است که امام<sup>(ع)</sup> در برخورد با پیروان ادیان الهی چه راهبردهایی بکار گرفتند، و از این راهبردها، چه راهکارهایی را برای تقریب مذاهب در دنیای امروز می‌توان استنباط کرد. پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که مبانی و اصولی که امام<sup>(ع)</sup> برای تقریب ادیان و مذاهب استفاده نموده است مبتنی بر مؤلفه‌های بینش قرآنی و سنت نبوی است. از مهم‌ترین راهبردهای تقریب ادیان در سیره امام<sup>(ع)</sup> می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: گفت‌وگوی سازنده با سایر ادیان، تأکید بر آگاهی‌های دینی و مؤلفه‌های مشترک در ادیان، التزام به اخلاق در روابط انسان با پیروان ادیان، تأکید بر اصل توحید و بازنمایی مبانی اعتقاد اسلامی در متون ادیان الهی و طرح مشترکات دینی استوار است. امام رضا<sup>(ع)</sup> در مناظرات با ادیان و مذاهب مختلف، ضمن تثبیت خاتمیت دین اسلام، به دنبال آن است که تا بر مبنای آموزه‌های اسلامی، امکان تعامل با دیگران را فراهم نماید. واکاوی مناظرات امام رضا<sup>(ع)</sup> با رویکردهای جدید، یکی از ضرورت‌های کنونی است تا از رهگذر آن بتوان ابعاد بیشتری از این گنجینه‌گرانها را به نسل‌های آینده معرفی نمود. تفاوت مقاله حاضر با پیشینه یادشده نشان داده خواهد شد که برخی از مضامین یا ساختارهای زبانی گفتمان مدار هستند؛ یعنی به کارگیری ابزارهای زبانی یا استفاده نکردن از آن‌ها و یا تغییر و تبدیل آن‌ها به صورت دیگر در گفته یا متن موجب برداشت‌های متفاوتی می‌شود و یا علت ابهام و تعقید و یا صراحت کلام می‌گردد. رویکردی که ممکن است بخشی از گفته را برجسته نماید، بخشی را در حاشیه قرار دهد و موجب شکل‌گیری لایه‌های درونی و بیرونی

در متن گردد. از طریق کشف، بررسی، تبیین و توجیه ساختارهای زبانی می‌توان به لایه‌های درونی دست یافت و به پیام واقعی که در چارچوب دیدگاه فکری - اجتماعی سازمان داده شده، دست یافت. در حالی که هیچ یک از این مقالات به بعد زبانی و تأثیرگذاری آن بر اقناع، تفهیم و استمرار در گفتمان توجه ندارد و فقط با رویکردهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی به واکاوی متن پرداخته‌اند.

مهندسی زبان و شیوه‌های چینش و معماری کلام چه از بعد زیرساختی و دستوری و چه از جنبهٔ روساختی و آرایه‌های زبانی می‌تواند جایگاه حقیقی مناظرات و کشف صلابت آن‌ها از منظر علوم جدید را روشن نماید. لذا در این جستار برآنیم که به بررسی‌هایی از این سبک پردازیم تا - هر چند اندک - به درک معنای مناظرات امام<sup>(ع)</sup> و زیبایی‌های سخنانشان دست یابیم. علاوه بر اینکه پژوهش پیش‌رو به ابزارهای زبانی و معماری سخن در هر دو سوی مناظره می‌پردازد و زمینه را برای خواننده و مقایسه و مقارنهٔ او - در تصویری شفاف با دستیابی به جزئیات فنی آن - مهیا می‌سازد. بنابراین از نظر موضوعی به بحث درون‌دینی و بین‌مذهبی اشاره دارد، در حالی که موارد پیشینه، بین‌ادیانی یا تقریبی است.

### ۳-۱. مبانی نظری تحقیق

تحلیل گفتمان معادل واژه فرانسوی (Discourse analysis) است که در زبان فارسی به «سخن-کاو»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» نیز ترجمه شده است، یک گرایش مطالعاتی بینارشته‌ای است که اواسط دههٔ ۱۹۶۰ تا اواسط دههٔ ۱۹۷۰م. در پی تغییرات گستردهٔ علمی-معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی و بیان، زبان‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار، کارکرد و فرایند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. (فرکلاف، ۱۳۸۹ش: ۹۷) بنابراین، تحلیل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینهٔ متن واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی و نیز کل نظام زبانی) و عوامل برون‌زبانی (زمینهٔ اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند. (لطفی پورساعدی، ۱۳۷۱ش: ۱۰)

سیر تکاملی رویکردهای تحلیل گفتمان به اختصار عبارت است از:

**الف)** فرایند تحلیل گفتمان که در فارسی معادل‌های دیگری نظیر سخن‌سنجی، سخن‌کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار نیز دارد، از نظر معنایی با سیر تکاملی همراه بوده است. این اصطلاح ترکیبی را اولین بار زلیک هریرس به معنای تحلیل صوری، شکلی و ساختاری جملات و کل متن مورد بررسی، به کار بست. در واقع هریرس تحلیل گفتمان را نگاهی صرفاً صورت‌گرایانه و ساختارگرایانه به جمله و متن در نظر گرفت.

**ب)** بعد از هریرس، بسیاری از زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را در مقابل تحلیل متن به کار بردند. به اعتقاد این گروه، تحلیل گفتمان، شامل «تحلیل ساختار زبان گفتاری» (مانند گفتگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها) است؛ ولی تحلیل متن، «تحلیل ساختار زبان نوشتاری» (مانند مقاله‌ها، داستان‌ها و گزاره‌ها) را شامل می‌شود. مراد این زبان‌شناسان از تحلیل گفتمان، تحلیل زبان محاوره‌ای و متون نوشتاری است.

**ت)** سردمداران نقشگرایی متفکرانی؛ مانند گرایس، کونو، هایمز، ون ولین، آستین، هاپر (بانی دستور پیدایشی) و هلیدی (بانی دستور نظام‌مند) هستند. هلیدی که از جمله زبان‌شناسان در این حوزه هست، واحدهای بزرگتر از جمله را در مطالعه زبان بررسی کرده و قائل شدند که در تحلیل، نباید فقط به کلمات و جملات متن توجه کرد؛ بلکه واحدهای بزرگتری مانند پاراگراف را هم باید مطمئن نظر قرار داد. رویکرد دسته سوم را می‌توان «رویکردی کل‌نگرانه» دانست.

**ث)** پس از دیدگاه‌های سنتی نسبت به تحلیل گفتمان، زبان‌شناسان بعدی، از اینکه صرفاً به متن بپردازد، پرهیز نموده و علاوه بر مطالعه (جزء‌نگر و کل‌نگر) متن، به مطالعه بافت موقعیتی آن نیز در تحلیل‌ها معتقد شدند. این‌گونه رویکرد- که اعتقاد زبان‌شناسان کنونی نیز هست- تحلیل گفتمان را شناخت رابطه جمله‌ها با یکدیگر و نگرستن به کل آن چیزی دانسته که نتیجه این روابط است و به جای توجه صرف به عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله، به‌عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، فراتر از زمینه متن، عوامل بیرون از متن؛ یعنی زمینه موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی را در تحلیل متن، مورد توجه قرار می‌دهد. از نظر این گروه، تحلیل گفتمان، نوعی مطالعه محصولات ارتباطی است که چگونگی شکل‌گیری معنا را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی (متن) و برون‌زبانی (زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی) مطالعه می‌کند. بنابر رویکرد جدید، تحلیل گفتمان، مطالعه اوضاع اجتماعی و فرهنگی- که متن تحت تأثیر آن‌ها تولید می‌شود- نیز در کنار مطالعه خود متن، بررسی می‌کند و هدف آن، این است که نشان دهد، زمینه

(بافت)های سیاسی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و شناختی کاربرد زبان و ارتباطات چگونه بر محتوا، معانی، ساختارها یا استراتژی‌های متن اثر می‌گذارند و نیز تأثیر گفتمان بر شکل‌گیری ساختارها و بسترهای مزبور چگونه است. (ر.ک: بهرام پور، ۱۳۷۹ش: ۸)

از میان رویکردهای تحلیل گفتمان، رویکرد ون دایک سه بخش تحلیل اجتماعی، شناختی و گفتمانی دارد. (Van Dijk, 1995: 30) شناخت اجتماعی، واسطی بین جامعه و گفتمان است. گفتمان صرفاً ساخت متنی یا مکالمه‌ای نیست؛ بلکه عبارت از رخداد ارتباطی پیچیده‌ای است که بافت اجتماعی، مشارکان و نیز فرایندهای تولید و درک را مشخص می‌کند. ایدئولوژی در چهارچوب چندرشته‌ای تعریف می‌شود که شامل مؤلفه‌های اجتماعی، شناختی و گفتمانی است. ایدئولوژی‌ها به مثابه نظام‌های عقاید، به لحاظ اجتماعی - شناختی، بازنمایی‌های مشترک گروه - های اجتماعی اند و ایدئولوژی‌ها شامل گروه اجتماعی، هویت‌ها، کنش‌ها، هنجارها و معیارها را سازمان‌دهی می‌کند. (Van Dijk, 2006: 115)

ایدئولوژی بین ساخت‌های جامعه‌شناختی و ساخت‌های ذهنی اعضای اجتماعی قرار گرفته است و به کنشگران اجتماعی، اجازه می‌دهد تا ویژگی‌های اجتماعی خود را به دانش و عقایدی برگردانند که الگوهای عینی تجربه‌های روزمره؛ یعنی بازنمایی‌های ذهنی کنش‌ها و گفتمان را می‌سازند. ایدئولوژی‌ها غیرمستقیم، درک مردم از کارکردهای اجتماعی و همچنین ساخت‌های متن و گفتگو را کنترل می‌کنند.

«برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سازکارهایی هستند که به واسطه آن گفتمان‌ها سعی می‌کنند نقطه قوت «خود» را برجسته سازند و نقاط ضعف خود را به حاشیه ببرند و پنهان کنند و بالعکس، نقاط قوت «غیر» یا دشمن را به حاشیه ببرند و نقاط ضعف او را برجسته کنند. ابزارهای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی متناسب با شرایط و نوع امکانات در دسترس متفاوت هستند. گفتمان قدرت نیز در چارچوب معیارها و بنا بر هدف‌های مشخص خود به تولید و بازتولید نشانه‌ها می‌پردازد و در این راستا در تلاش است که این نشانه‌ها را تثبیت کند و با استفاده از این منابع به سلطه خود مشروعیت ببخشد. (سلطانی، ۱۳۸۴ش: ۱۱۳)

«زبان مهم‌ترین ابزار مشروعیت‌بخشی به صاحبان قدرت است.» گفتمان سیاسی حاکم تلاش می‌کند که پیوندی ثابت بین دال و مدلول ایجاد کند. هنگامی که این رابطه به وجود می‌آید نشانه در درون گفتمان سیاسی شکل می‌گیرد و آن گاه قدرت با استفاده از ابزارهای مادی و غیرمادی

خود به گسترش این نشانه‌ها و هژمونیک کردن آن‌ها می‌پردازد. گاهی برخی نشانه‌ها آن قدر هژمونیک می‌شوند که به صورت یک اصل کلی و انکارشدنی درمی‌آیند و مخالفت با آن‌ها باعث طرد از دایره «خودی» و قرار گرفتن در معرض انواع برچسب‌زنی می‌شود. (Van-Leeuwen, 2008: 105)

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، شیوه‌ای برای حفظ و استمرار حاکمیت فکری از طریق مبارزه برای تثبیت معنای محوری دال‌های شناور مرکزی و دال‌های دیگر است. بدین طریق، گفتمان‌ها هم تلاش می‌کنند برای هژمونیک شدن به تولید معنا بپردازند و هم با به کارگیری ابزارهای انضباط و انقیاد، دشمن و غیر را حذف و طرد سازند. در حقیقت، گفتمان‌ها به کمک نرم افزاز و سخت‌افزارهایی که در اختیار دارند تلاش می‌کنند با ساختارشکنی دال مرکزی گفتمان رقیب آن را طرد سازند و خود برجسته و هژمونیک شوند. این عمل با تأثیرگذاری بر ذهن سوژه‌ها، تولید اجماع و تعریف نشانه‌ها به شیوه‌های خاص صورت می‌گیرد و در نتیجه آن مدلول خاصی به دال مرکزی گفتمان می‌چسبد و آن را هژمونیک می‌کند و همزمان دال مرکزی گفتمان رقیب از مدلولش جدا می‌شود که حاصلش ساختارشکنی گفتمان رقیب است. در حقیقت، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سازکارهایی‌اند که به واسطه آن‌ها گفتمان با تولید اجماع، هژمونی خود و ساختارشکنی رقیب را طبیعی و مطابق با عقل سلیم جلوه می‌دهند و چهره قدرت را از نظرها پنهان می‌کنند. در این رویکرد، با استفاده از ابزارهای زبانی می‌توان مفاهیم برجسته شده را از مفاهیم حاشیه بازشناخت.

## ۲- بحث اصلی

### ۲-۱. موقعیت‌های محیطی و تاریخی عصر امام رضا<sup>(ع)</sup>

گفتمان ترجیحا باید به مثابه بخشی جدایی‌ناپذیر از بافت موقعیتی و شرایط عام و خاص اجتماعی و فرهنگی خود مطالعه شود. متون و گفتگو به اشکال گوناگون موضوعیت بافتی خود را به نمایش می‌گذارند؛ بنابراین، ساختارهای بافت را باید به دقت مشاهده و تجزیه و تحلیل کرد. بنا بر همین اصل، تعمق و بازنگری فرایند تحولات سیاسی - مذهبی، در روند تاریخی امامت شیعی در عصر هر یک از ائمه<sup>(س)</sup>، پژوهشگر را در پژوهش سخنان و مناظرات ایشان، به شیوه‌ها و راهکارهای متمایز، متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی سوق می‌دهد.



سیره امام رضا<sup>(ع)</sup> بویژه در دوران سوم زندگی آن حضرت؛ یعنی حضور ایشان در سرزمین ایران در مسند ولایتعهدی خلافت اسلامی، زوایا و ابعاد گوناگونی دارد. از یک سو، نگاه اعتقادی جامعه اسلامی با چالش‌های جدی رو به رو شده از سوی دیگر اندیشه‌های وارداتی از دیگر جوامع به دلیل توسعه قلمرو اسلامی و گسترش ترجمه مزید بر علت گردیده است. همچنین امام<sup>(ع)</sup> نگران پدیدار شدن انحراف در سنت نبوی است؛ یعنی مناسبات اجتماعی و رابطه حکومت با امت را در راستای الگوهای ارائه شده از جانب پیامبر<sup>(ص)</sup> نمی‌بیند.

بنابراین دوران اقتدار خلفای عباسی، همچون مأمون، مشخصه‌های بارزی را در بطن جامعه اسلامی پدید آورد، به طوری که برخی از شاخصه‌های موجود سیاسی - مذهبی و فرهنگی وارد مسیری تازه شد. انتصاب امام<sup>(ع)</sup> به مقام ولایتعهدی در جریانات سیاسی، شکل‌گیری فرق مختلف درون‌دینی و اثرپذیری‌های بیرونی و نیز کرسی‌های بحث و مناظره و نهضت ترجمه در عرصه فرهنگی از آن جمله‌اند که در این خصوص امام<sup>(ع)</sup> در مواجهه با هر یک از جریان‌های مذکور متناسب با شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی، راهکارهایی ویژه را در مناظره اتخاذ نمودند. (نک: طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۳۷۷؛ زیدان، ۱۹۲۴م: ج ۲، ۱۵۶-۱۸۷؛ لوبون، ۱۳۴۷ق: ۲۱۴-۲۱۶)

## ۲-۲. تشکیل جلسات مناظره

یکی از فرایندهای علمی که از جانب امام باقر<sup>(ع)</sup> و امام صادق<sup>(ع)</sup> پایه‌ریزی شد، فراهم‌آوردن زیرساخت‌های گفتمانی و بازتولید علم است. تحولات سریع و جهشی علمی - فرهنگی در عصر امامت امام رضا<sup>(ع)</sup> نیاز به رویکردی نو و ابتکاری را نمایان می‌ساخت تا با آگاهی از علوم متفاوت بر آن و تسلط دانش و معارف درست را از نادرست بازشناساند که این میسر نمی‌گردید مگر با پاسخ‌گویی به شبهات انحراف‌آمیز در عرصه مسائل درون‌دینی و نیز در تقابل با اختلافات برون‌دینی که هر دو مورد نیازمند آگاهی و بینش کافی و وافی بود و حضرت در عرصه شبهات دینی نیز با تدبیر لازم و وقوف بر علوم مختلف سایر ملل، صاحبان ادیان دیگر را در برابر حجیت دلائل اسلام نسبت به سایر دین‌ها به اثبات می‌رساند و بهترین شیوه برای تحکیم این حقانیت مناظره در منظر عام و در معرض داوری قرار گرفتن عقاید دو طرف است. بنابراین اظهار قدمای صاحب نظر در این زمینه می‌توان گفت مناظرات امام<sup>(ع)</sup> افق‌هایی جدید در معرفت دینی گشود، و ابهامات و شبهات زیادی از رهگذر این مناظرات بر طرف گردید؛ منطق

عقلانی اسلامی تقویت شد، سنت و سیره پیامبر<sup>(ص)</sup> جانی دوباره گرفت، ظرفیت تحمل و تأمل در دیدگاه‌های مخالف آموزش داده شد و در نهایت حقانیت دین محمدی به اثبات رسید. (اربلی، ۱۳۸۱ش: ج ۲، ۱۰۷)

### ۲-۳. مناظره امام<sup>(ع)</sup> و ابوقره صاحب شبرمه

مناظره مستلزم نقد است؛ یعنی وقتی مناظره‌کنندگان موضع انتقادی داشته باشند، خود را متعهد و ملزم به پرسش کردن و توجه دقیق به تمام موضوعات می‌دانند، البته این امر مستلزم نگرش باز به مسائل و آمادگی برای ژرف اندیشی دربارهٔ مطلبی است که تاکنون از سوی مخاطب مسلم و مفروض تلقی می‌شده است. بازاندیشی مفروضات آشکار و پنهان منجر به شناخت و بررسی مسائلی می‌شود که سهواً بدیهی پنداشته شده است و این امر رشتهٔ مستمر پرسش، نقد، استدلال و نقد استدلال را ایجاد می‌کند. آمادگی ذهنی مناظره‌کنندگان در این فضای بازفکری به معنای آمادگی برای متقاعدشدن و تغییر دیدگاه‌های خود، در صورت مواجهه با استدلال‌های قوی خصم است. با توجه به اوضاع تاریخی و علمی عصر امام رضا، مناظرات متعددی از حضرت نقل گردیده است که در این پژوهش تنها مناظره آن حضرت با ابوقره بررسی می‌شود.

این مناظره یکی از مناظره‌های معروف امام<sup>(ع)</sup> در موضوعات کلامی و اعتقادی است. صفوان بن یحیی که از اصحاب موسی کاظم<sup>(ع)</sup>، امام رضا<sup>(ع)</sup> و امام محمد تقی<sup>(ع)</sup> و راویان حدیث شیعه بود و در سده دوم و اوائل سده سوم هجری می‌زیست و از جمله وکلا و نایبان خاص امام رضا<sup>(ع)</sup> و امام جواد<sup>(ع)</sup> بود، که وظیفه جمع‌آوری وجوهات شرعی، نشر روایات اهل بیت را هم برعهده داشت. وی می‌گوید: ابوقره محدث رفیق و ملازم شبرمه (از فقها اهل سنت) از من خواست تا او را خدمت امام رضا<sup>(ع)</sup> ببرم. من نیز از ایشان اجازه خواستم و ایشان قبول کردند. بعد ابوقره داخل شد و از امام<sup>(ع)</sup> دربارهٔ حلال و حرام و واجبات و برخی از احکام شرعی سؤال کرد تا سؤالش به افعال توحیدی رسید.

ابوقره و شبرمه هر دو در میان کتاب‌های رجالی ناشناخته‌اند. برخی گفته‌اند که توفیق استبصار یافت و به تشیع مشرف شد و به همین دلیل صفت محدث را برایش ذکر کرده‌اند. ابن حجر در کتاب التقریب معتقد است که موسی بن طارق که منصب قضاوت داشته است، کنیه‌اش ابوقره بوده و از طبقه نهم روایت و هم‌عصر امام رضا<sup>(ع)</sup> است. دربارهٔ شبرمه هم برخی بر این باورند

شخصی در زمان امام صادق<sup>(ع)</sup> به این نام بوده است؛ ولی او امام رضا<sup>(ع)</sup> را درک نکرده و در سال ۱۴۴ هـ.ق از دنیا رفته است. (نک: کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۳، ۲۱۶)

#### ۲-۴. محورهای اصلی مناظرات امام رضا<sup>(ع)</sup> با ابوقره

هر متنی دارای یک اندیشه کلی و فراگیر است که زمینه و ظرف آن متن به شمار می‌رود. این اندیشه کلی از چنان ظرفیتی برخوردار است که می‌تواند کل مناسبات، شخصیت‌ها و رخداد‌های مهم و کم اهمیت را حول خود سازمان دهد به عبارت دیگر می‌توان گفت، همین اندیشه کلی هر متن است که اجزای پراکنده متن را به صورت یک مجموعه واحد سازمان می‌دهد و در حقیقت هدف مشترکی است که با همکاری تمام این اجزا محقق می‌شود. (بی نیاز، ۱۳۸۷ش: ۵۰)

مناظرات امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز از این قاعده مستثنی نیست، تمام مناظرات امام<sup>(ع)</sup> با ادیان خارجی و فرق داخلی دارای یک بن مایه و اندیشه کلی است که موضوعات فرعی در دل آن قرار می‌گیرد و در راستای تحقق آن حرکت می‌کنند.



#### ۱-۲-۴. اثبات اصل صفت و فعل کلام خداوند و نبود مشابهت در کلام وی با مخلوق

هریک از افراد و مشارکت کنندگان گفتمان، ایدئولوژی و عقیده خاص خود را دارند که بر گفتمان اثر می‌گذارند. ایدئولوژی امام<sup>(ع)</sup> و ابوقره را می‌توان از لابه‌لای سخنانشان فهمید. اکنون

با تحلیلی که در کلام هریک از مشارکت کنندگان این گفتمان صورت گرفته است، به تحلیل ایدئولوژی از نگاه مربع ایدئولوژیک هریک آنان پرداخته می‌شود.

فقال له: «أخبرني جعلني الله فداك عن كلام الله لموسى». فقال: «الله أعلم بأبي لسان كَلَمَه؛ بالشرائنية أم بالعبرانية». فأخذ أبوقرّة بلسانه فقال: «إنما أسألك عن هذا اللسان». فقال أبو الحسن<sup>(ع)</sup>: «سبحان الله عما تقول ومعاد الله أن يشبه خلقه أو يتكلم بمثل ما هم متكلمون و لكنّه - تبارك و تعالی - ليس كمثله شيء و لا كمثله قائل فاعل». قال: «كيف ذلك؟» قال: «كلام الخالق لمخلوق ليس ككلام المخلوق لمخلوق و لا يلفظ بشق فم و لا لسان و لكن يقول له: «كن» فكان. بمشيتّه ما خاطب به موسى من الأمر و النهي من غير تردد في نفس»<sup>۱</sup>

«مسائل زیادی درباره توحید مطرح شده و قابل گفتگو است؛ اما سؤال ابوقره درباره کیفیت تکلم هست. شاید دلیلش این باشد که سؤال از کیفیت تکلم به یک سؤال اصلی برمی‌گردد و اینکه آیا تکلم، صفت ذات است یا صفت فعل؟ این سؤال، بسیار اساسی است و دو نظریه قدیم و حادث بودن کلام الهی در پیوند با همین سؤال شکل گرفت و بحث‌های جدی را در آن زمان رقم زد. شاید ذهن آن‌ها درگیر این سؤال بود که از طرفی قرآن به ادله‌ای که آن‌ها قبول داشتند، قدیم بوده و از سوی دیگر تکلم الهی با حضرت موسی امری حادث است. هر دو کلام هستند؛ ولی یکی قدیم است و دیگری حادث. اما چگونه؟» (حسینی شاهروردی، ۱۳۹۳: ۲۰۴)

در آیات و در روایات و کلمات متکلمان صفت کلام برای خدا اثبات گردیده و از او به عنوان متکلم یاد شده است. در آیه‌ای ضمن اشاره به فضایل پیامبران می‌فرماید: «و منهم من کلم الله» (بقره/ ۲۵۲) و در آیه دیگر سخن گفتن با موسی<sup>(ع)</sup> مطرح گردیده: «و کلم الله موسی تکلیما» (نساء/ ۱۶۴) و لذا موسی<sup>(ع)</sup> به عنوان «کلیم الله» معروف شده است؛ البته این تکلم شیوه‌های گوناگونی داشته است و در آیه ۵۱ سوره «شوری» طرق ارتباط و سخن گفتن خداوند با پیامبران بیان گردیده است:

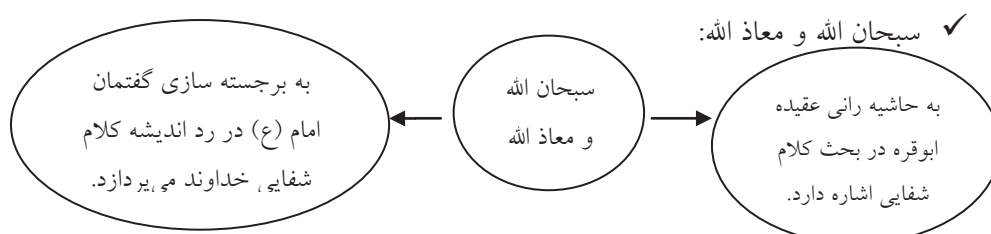
« و ما کان لبشر أن یکلمه الله إلا وحیا أو من وراء حجاب أو یرسل رسولا فیوحی بإذنه ما یشاء أنه علیم حکیم.»<sup>۲</sup>

امام<sup>(ع)</sup> تکلم خداوند را غیر از تکلم مخلوق‌ها می‌داند. از این رو سؤال پیش می‌آید که تکلم او چگونه است؟ در ادامه، ایشان به این سؤال هم پاسخ دادند. به این نحو که چون خداوند مانند

ندارد، پس سخن گفتن او نیز مانند ندارد؛ یعنی تکلم هم برای او به نحو تنزیهی اثبات می‌شود. او تکلم می‌کند؛ اما تکلمی که در آن عجز و نقص نیست. در واقع با این بیان معلوم می‌شود که تکلم منحصر به تکلمی نیست که عمل انسانی است. آنچه ذهن ما بیشتر با آن مانوس است همین تکلم با زبان و دهان است. این تکلم، تکلم مخلوقی است. نوع دیگر تکلم خالق است که شبیه ندارد. می‌توان گفت تکلم مخلوقی جلوه‌ای از مخلوق بودن اوست که محتاج ابزار و محدود و مقید است. تمام اینها در تکلم خالق نفی می‌شود. خداوند آن مفهوم را اراده می‌کند و آن هم با لفظ محقق می‌شود. به این نحو، تکلم با لفظ تحقق می‌یابد؛ اما نه با زبان و دهان.

## ۲-۴-۲. ابزارهای زبانی برجسته‌ساز در محور اصلی گفتمان امام (ع)

ابزارهای زبانی ذیل در کلام امام (ع) موجب به حاشیه‌راندن سوالات ابوقره می‌شود:



امام رضا (ع) با استعمال دو کلمه «سبحان الله» و «معاذالله» به ابطال عقیده و باور ابوقره در مورد کلام شفاهی خداوند می‌پردازد و از آنجایی که این دو کلمه اسم مصدر اند و تأکید در اسم مصدر از مصدر اصلی بیشتر است. از دیگر سو، عامل (فعل) هر دو مفعول مطلق واجب الحذف است؛ فعل، دلالت بر تجدد و حدوث دارد؛ اما اسم، مبالغه و ثبوت را می‌رساند و صیغهٔ مصدر یا اسم مصدر برای افاده معنای کثرت است و از آنجایی که مصدر یا اسم مصدر حدث محض

بدون زمان است، لذا تأکیدش و دوام و قدرت بیشتری در انتقال معنا نسبت به فعل در مخاطب خواهد داشت. (صالح السامرائی، ۲۰۰۷م: ج ۲، ۱۴۴)

امام<sup>(ع)</sup> با این ابزارهای زبانی به برجسته‌سازی باور و اعتقادات شیعه در مورد اینکه تکلم خداوند غیر از تکلم مخلوق است، اشاره می‌کند؛ زیرا اینگونه سخن گفتن از صفات جسم و جسمانیات است و خدا منزّه از آن است.

✓ لکن

«لکن» برای استدراک است و استدراک؛ یعنی دفع توهّم ماقبل؛ به حاشیه راندن ادعای ماقبل و در نتیجه برجسته نمودن مابعد لکن.

امام<sup>(ع)</sup> با استفاده از کلمه «لکن» به برجسته‌سازی جواب خویش و سؤال انحرافی ابوقره «إنما أسألک عن هذا اللسان» می‌پردازد، از طرفی کلمه «لکن» برای همراهی و توجه دادن مخاطب به ادامه استدلال نقش محوری را ایفا می‌کند. کلمه «لکن» نوعی رابطه متضاد بین دو اندیشه و اعتقاد ابوقره و امام رضا<sup>(ع)</sup> را به تصویر می‌کشد. کلمه «لکن» مثل «بل» اضراب ابطالی به رد عقیده ماقبل و اثبات عقیده جدید می‌پردازد. امام<sup>(ع)</sup> ابتدا با کلمات «سبحان الله» و «معاذ الله» به رد عقیده کلام شفاهی خداوند از نگاه ابوقره می‌پردازد و سپس با «لکن» به اثبات باور و عقیده صحیح کلام خداوند می‌پردازد.

امام<sup>(ع)</sup> در این عبارت «لیس کمثله شیءٌ و لا کمثله قائلٌ فاعلٌ» قال: «کیف ذلك؟» قال: «کلام الخالق لمخلوقٍ لیس ککلام المخلوق لمخلوقٍ و لا یلفظُ بشقٍّ فیهِ و لا لسانٍ و لکن یقولُ له: «کن» فکان. بمشیتِهِ ما خاطب به موسی من الأمر و النهی من غیر تردد فی نفسٍ.» برای برجسته‌سازی عقیده و باور صحیح از کلام خداوند از ابزارهای زبانی استفاده می‌کند، که در خدمت مفهوم اصلی قرار گرفته است، از «لیس کمثله شیء، و لا کمثله قائل فاعل» استفاده می‌کند، و کلمات نکره «شیء، قائل و فاعل» در سیاق نفی، افاده عمومیت و شمولیت دارند و از طرفی فعل «لیس» دلالت بر هر سه زمان دارد؛ یعنی خداوند در هیچ زمانی مثل و مانند ندارد، پس سخن گفتن او نیز مانند ندارد؛ یعنی تکلم هم برای او به نحو تنزیهی اثبات می‌شود. امام<sup>(ع)</sup> در قالب جمله اسمیه «کلام الخالق لمخلوق لیس...» با استفاده از تضاد و تکرار ضمنی مفاهیم قبل به برجسته‌سازی تکلم خداوند می‌پردازد و تکلم را برای خداوند اثبات می‌کند؛ اما با فعل «لیس» به

حاشیه‌رانی تکلم شفاهی - که به اعتقاد ابوقره و کسانی که بر این باور بودند - اشاره می‌کند که تکلم الهی منحصر در تکلمی نیست که کار انسان‌هاست و هیچ گونه عجز، نقص در تکلم خداوند نیست. امام (ع) با بکار بردن قیود توضیحی «لایلفظ بشق فم و لا لسان» به حاشیه‌رانی اعتقاد نادرست ابوقره می‌پردازد و اشاره می‌کند که آنچه ذهن ما بیشتر با آن مأنوس است، همین تکلم با زبان و دهان است. این تکلم، تکلم مخلوقی است. نوع دیگر تکلم خالقی است که شبیه ندارد. می‌توان گفت تکلم مخلوقی جلوه‌ای از مخلوق بودن اوست که محتاج ابزار و محدود و مقید است. تمام اینها در تکلم خالقی نفی می‌شود. هرچند کلام امام رضا (ع) در راستای گفتمان امام علی (ع) در مورد تکلم خداوند که در خطبهٔ ۱۸۴ از متن نهج البلاغه نیز اشاره دارد.<sup>۳</sup>

امام (ع) با آوردن «من بیانیه» بعد از «ما موصوله» و «من ابتدائیه» در عبارت «فکان بمشیتیه ما خاطب به موسی من الأمر و النهی من غیر تردد فی نفس» به حاشیه‌رانی و مقایسهٔ نحوهٔ تکلم انسان - که اول در جان تبلور می‌یابد و بعد به زبان جاری می‌شود - اشاره می‌کند و از طرفی ابزارهای مناسبی در برجسته‌سازی کلام امام (ع) به حساب می‌آید که هر زمان خداوند آن مفهوم را اراده کند و آن هم با لفظ محقق می‌شود. به این نحو، تکلم با لفظ تحقق می‌یابد؛ اما نه با زبان و دهان.

✓ بهره‌گیری از بینامتنیت قرآنی به صورت امتصاص برای نشان دادن شدت تحقق و همراهی قول و فعل الهی در عبارت «لکن یقولُ له: «کن» فکان.» مقصود از این، کلام لفظی نیست و آلا خود آن لفظ هم در وجودش احتیاج به لفظ دیگر خواهد داشت و هم چنین آن لفظ دوم به لفظ سوم و همین طور پیش خواهد رفت که این تسلسل است و باطل؛ چنانکه مقصود این نیست که در آنجا مخاطبی هست که خطاب الهی را شنیده و با آن موجود می‌شود؛ زیرا این خلاف مفروض است (فرض این است که مخاطب به وسیله این خطاب موجود می‌شود)؛ بنابراین مقصود از کلام و قول او، افاضه و ایجاد خداست که به واسطه آن اشیا تحقق می‌یابند؛ (ر.ک: طباطبایی، ج ۱۷، ۱۱۵) درحقیقت ایجاد و وجود، افاضه و فیض یک چیزند و فرقیشان اعتباری است. اگر چیزی را به فاعل نسبت دهیم ایجاد و افاضه است و اگر به خودش نسبت دهیم وجود و فیض است. این طور نیست که ایجاد چیزی باشد و وجود چیزی دیگر، پس کلام

خدا فعل او و فعل همان اشیا و موجودات عینی و خارجی است. (بنایی، ۱۳۸۷ش:

(۲۸۲)

### ۳-۴-۲. حادث بودن کلام خداوند

فقال أبوقرّة: «فما تقول في الكتب؟» فقال أبوالحسن<sup>(ع)</sup>: «التّوراة و الإنجيل و الزّبور و الفرقان و كلُّ كتاب أنزلَ كان كلامَ الله - تعالى - أنزله للعالمين نورا و هدى و هي كلها مُحدّثة و هي غيرُالله حيث يقول: «أو يحدث لهم ذكراً» و قال: «ما يأتيهم من ذكرٍ من ربهم مُحدثٍ إلا استمعوه و هم يلعبون» و الله أحدثَ الكتبَ كلها التي أنزلها» فقال أبوقرّة: «فهل يفنى؟» فقال أبوالحسن<sup>(ع)</sup>: «أجمع المسلمون على أن ما سوى الله فان و ما سوى الله فعلُ الله و التّوراة و الإنجيلُ و الزّبورُ و الفرقانُ فعلُ الله - تعالى -. ألم تسمع الناس يقولون: «رب القرآن.»؟ و إن القرآن يقول يوم القيامة: «يا رب! هذا فلانُ و هو أعرفُ به أظماتُ نهاره و أسهرتُ ليله فَشَقَّعني فيه.» و كذلك التّوراةُ و الإنجيلُ و الزّبورُ كلها مُحدّثةُ مربوبة. أحدثها من ليس كمثلها شيءٌ هدى لقوم يعقلون. فَمَنْ زعمَ أنّهم لم يزلن فقد أظهر أن الله ليس بأول قديم و لا واحد و أن الكلام لم يزل معه و ليس له بدءٌ و ليس ياله.»<sup>۴</sup>

ابزارهای زبانی که در برجسته سازی کلام امام<sup>(ع)</sup> در مورد حادث بودن کتب الهی و حاشیه‌رانی عقیده ابوقره نقش محوری دارند:



- ✓ آمدن معتوف ها بر اساس ترتیب زمان نزول و از لحاظ بلاغی به صورت ذکر عام بعد از خاص در عبارت « التّوراة و الإنجيل و الزّبور و الفرقان و كلُّ كتاب» در برجسته سازی مفهوم اصلی (حادث بودن کتب الهی) نقشی بسزا دارد.
- ✓ جمله اسمیه «هی کُلُّها مُحدّثةُ و هی غیرُالله» تأکید در حاشیه‌رانی کلام ابوقره و به برجسته‌سازی استدلال امام<sup>(ع)</sup> با دو ویژگی مهم کلام الهی اشاره می‌کند، حادث شدن و غیرخدا بودن.
- ✓ تأکید معنوی «کُلُّها» این کلمه حادث بودن تمامی کتاب‌های الهی را دربرمی‌گیرد.



سپس امام (ع) برای اینکه کسی با قبول این دو ویژگی، کلام الهی را قدیم زمانی نداند؛ یعنی با پذیرش حدوث ذاتی، قدم زمانی را دربارهٔ کتاب‌های الهی مطرح نکند، از بینامتنیت یا استدلال نقلی سخن خداوند را در این باره شاهد آورده است:

دلیل اول که فرموده است: «یحدث لهم ذکرا» (طه/ ۱۱۳). اگر ظاهر این کلام را مورد دقت قرار داده شود، از فعل مضارع «یحدث» حدوث متعارف - که همان حدوث زمانی است - فهمیده می‌شود. در این آیه «و كذلك أنزلناه قرآنا عربيا و صرفنا فيه من الوعيد لعلهم يتقون او يحدث لهم ذکرا»<sup>۵</sup>. (طه/ ۱۱۳) هدف از نزول قرآن پیدایش تقوا و ایجاد تذکر برای مردم بیان گردیده و مقصود از «ذکرا» ایجاد تذکر به وسیلهٔ قرآن است. در آیات دیگر نیز از قرآن به عنوان «ذکر» تعبیر گردیده است؛ بنابراین ایجاد تذکر بوسیلهٔ ایجاد قرآن است و ایجاد همان احداث است و با قدیم بودن سازگار نیست.

دلیل دوم اینکه خداوند در آیهٔ ۱۱۳ از سورهٔ طه می‌فرماید: «ما یأتیهم من ذکر من ربهم محدث إلا استعموه و هم یلعبون»<sup>۶</sup>

تعبیر به «محدث» (تازه و جدید) برای بیان این مطلب است که کتب آسمانی یکی پس از دیگری نازل می‌گردد و سوره‌های قرآن و آیات آن، هرکدام محتوای تازه و نو دارد و مقصود محدث بودن آن از حیث نزول نیست، تا کسی بگوید قرآن قدیم است؛ و بلکه نزول آن حادث است؛ زیرا «محدث» در آیه وصف «ذکر» است و معنای آن این است که «ذکر» یعنی قرآن به تمام ذات و شئونش «محدث» است و اصلا معقول نیست. کسی بگوید این الفاظ و کلمات قدیم و ازلی است، بلی محتوا و مضمون آنها قدیم است بعضی همیشه در علم خدا بوده و خدا به آن احاطه داشته است. به این ترتیب با وجود ادلهٔ نقلی، شکی در حدوث کتاب‌های آسمانی نیست. ابوقره چون نتوانست اوصاف حادث را از کلام الهی نفی کند، سراغ امکان سلب اوصاف

قدیم رفت. آیا کتاب‌های آسمانی هم فانی و معدوم می‌شوند؟

دلیل سوم؛ فنای کتب الهی است. امام رضا در جواب پرسش از ابزارهای زبانی استفاده می‌کند که در خدمت برجسته‌سازی مفهوم اصلی (حدوث و قدم کلام الهی) نقشی مؤثر دارند.

✓ استفاده از «ال موصوله» در «المسلون» که بگونه‌ای موصول و جملهٔ صلة «الذین

یسلمون» را در خود مخفی نموده است، این کلمه اعتقادات و باورهای کسانی را که

اسلام آورده‌اند، برجسته می‌نماید و از این عبارت امام (ع) این معنای کنایی روشن

می‌شود که اگر تو (ابوقره) مسلمان هستی باید این کلام را بپذیری و اگر نمی‌پذیری، پس مسلمان نیستی.

✓ به کار رفتن جمله اسمیه با ادات تأکید: «أَنْ مَا سِوَى اللَّهِ فَايَ وَ مَا سِوَى اللَّهِ فَعَلُ اللَّهِ وَ التَّوْرَةُ وَ الْإِنْجِيلُ وَ الزَّبُورُ وَ الْفُرْقَانُ فَعَلُ اللَّهِ - تعالی-» در عبارت «أَنْ مَا سِوَى اللَّهِ فَايَ» به برجسته‌سازی اوصاف ذات خداوند و به حاشیه راندن قدیم بودن کلام الهی می‌پردازد. و در عبارت «مَا سِوَى اللَّهِ فَعَلُ اللَّهِ وَ التَّوْرَةُ وَ الْإِنْجِيلُ وَ الزَّبُورُ وَ الْفُرْقَانُ فَعَلُ اللَّهِ - تعالی-» به برجسته‌سازی تفاوت فعل الهی با ذات حق اشاره دارد و اینکه کلام الهی غیر خداوند است پس کلام، از اوصاف فعل اوست نه از اوصاف ذاتش.

✓ آمدن «ال استغراق جنس» در کلمه «الناس» و استفاده از نقل قول در قالب جمله اسمیه «إِنَّ الْقُرْآنَ يَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: .../ هُوَ أَعْرَفُ بِهِ» و همچنین (قد + فعل ماضی) در عبارت «قَدْ أَظْمَأْتُ وَ أَسْهَرْتُ» در برجسته‌سازی گفتمان امام<sup>(ع)</sup> در راستای مفهوم اصلی (حادث بودن کلام الهی) نقش بسزایی دارد.

امام رضا<sup>(ع)</sup> همچنین در برجسته‌سازی مفهوم اصلی (پروردگار بودن قرآن) از ابزارهای زبانی زیر استفاده می‌کند:

✓ آمدن «ال استغراق جنس» در کلمه «الناس» نشان‌دهنده اعتقاد همه مردم نسبت به این باور است که همه مردم چیزی را که در تدبیر دیگری است، مربوب می‌گویند و این از اوصاف حادث است از سوی دیگر، همگان حتی خود ابوقره هم «رب القرآن» را عقیده و کلامی خطا نمی‌دانند.

✓ امام رضا<sup>(ع)</sup> برای فعل بودن کتب آسمانی؛ مانند قرآن از ابزار تجسیم در برجسته‌سازی گفتمان خویش استفاده می‌کند و نقل قول قرآن را در قالب ندا «یا رب» و جمله اسمیه «إِنَّ الْقُرْآنَ يَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: .../ هُوَ أَعْرَفُ بِهِ» و همچنین (قد + فعل ماضی) در عبارت «قَدْ أَظْمَأْتُ وَ أَسْهَرْتُ» به این عبارت استشهاد می‌کند که در روز قیامت قرآن می‌فرماید: «یا رب هذا فلان»، خدا را خواسته و از او می‌خواهد که شفاعتش را در مورد فلانی قبول فرماید، معلوم می‌شود که خود قرآن نیز مانند سایر افعال، ربی دارد که او را ایجاد کرده و نازل نموده است. پس قرآن مربوب خداست و مربوب همواره حادث است.

دلیل چهارم، تعدد اشیای قدیم است. اگر کلام الهی قدیم باشد و از ازل همراه او باشد لازم می‌آید که خدا شریک داشته باشد و این با وحدانیت خدا سازگار نیست؛ لذا امام<sup>(ع)</sup> با فعل «زعم» به حاشیه رانی باور و اعتقاد ابوقره پرداخت و فرمود: «فمن زعم أنهم لم يزلن فقد أظهر أن الله ليس بأول قدیم و لا واحد.» امام<sup>(ع)</sup> با فعل «زعم»؛ به معنای گمان و فرض نادرست و غیر صحیح می‌فرماید: اگر کلام خدا از ازل با او باشد خدا قدیم اول تنها نبوده قدیم دیگری نیز به نام کلام خواهد بود، واحد نبوده، شریک خواهد داشت.

امام برای برجسته‌سازی مفهوم از بینامتنیت استفاده می‌کند، نظیر کلام امام، بیانی است که از علی<sup>(ع)</sup> نقل شده که فرمود: «ولو كان قدیما لكان إلهًا ثانيًا»<sup>۷</sup> (نهج البلاغه/ خطبهٔ ۱۸۴) امام رضا<sup>(ع)</sup> در ادامه مناظره برای حادث بودن کلام الهی با ابزار زبانی «لو» شرطیه و «فاء» جواب شرط به برجسته‌سازی حادث بودن کلام الهی پرداخت، اگر کلام الهی قدیم بود خدای دوم وجود داشت و «تقریر این برهان به صورت قیاس استثنائی چنین می‌شود: «لو كان كلامه تعالى قدیما لكان إلهًا ثانيًا لكن التالي باطل فالمقدم كذلك»؛ اما بیان ملازمه؛ زیرا اگر کلام او قدیم باشد یا واجب الوجود است یا ممکن الوجود و تالی به هر دو فرض باطل است؛ زیرا اگر آن ممکن-الوجود باشد و در عین حال از ازل با او همراه باشد وجودش محتاج به مؤثر خواهد بود، آن مؤثر، اگر غیرذات او (خدا) باشد به دو دلیل محال است: نخست آنکه لازم می‌آید، خدا در به دست آوردن صفت خود محتاج به غیر باشد، و این محال است.

و دوم آنکه لازم می‌آید، از ازل با خدا همراه باشد که خدا در تحصیل این صفتش (کلام) استناد به او داشته باشد؛ پس آن اله ثانی می‌شود، بلکه آن اولی به اله بودن است، و این محال است.» (البحرانی، ۱۳۶۲ش: ج ۴، ۱۷۲-۱۷۳)

#### ۴-۲. جزئیت کلام در وجود خداوند یا تجزئ وجود الهی در کلام

قال أبو قرة: «و إنا رؤينا أن الكتب كلها تجيء يوم القيامة و الناس في صعید واحد صفوف قیام لرب العالمین ينظرون حتى فيه لأنها منه و هي جزء منه فإليه تصیر.» قال أبو الحسن<sup>(ع)</sup> «فهل هذا قالت النصارى في المسيح: «إنه روحه جزء منه و يرجع فيه.» و كذلك قالت المجوس في النار و الشمس: «إنهما جزء منه.» يرجع فيه تعالى ربنا أن يكون متجزئاً أو مختلفاً. و إنما يختلف و يأتلف المتجزئ

لأن كل متجزئ متوهم و القلة و الكثرة مخلوقه دالله على خالق حلقها»<sup>(۸)</sup>. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰: ۳۴۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲: ۴۰۵)

ابوقره در استدلال‌های عقلی و قرآنی پاسخش را گرفته بود؛ اما چون روحیه ظاهرگرایی افراطی داشت سراغ روایتی رفت که نقض عقل و قرآن بود. گفت که اینها جزء خدایند که از او جدا شده و در روز قیامت به او برگشته و با او پیوند می‌خورند.

ابزارهای زبانی که در برجسته‌سازی محور اصلی گفتمان امام<sup>(ع)</sup> و در حاشیه قرارداد اعتقاد ابوقره نقشی بسزا در این قسمت از متن داشته است:



امام<sup>(ع)</sup> در پاسخ به این شبهه، در قالب جملات اسمیه «إنه روحه منه.../إنهما جزء منه» این روایت را مطابق عقیده غیرمقبول مسیحیان و زردشتیان دانست.

اگر ایشان به طور مستقیم، غیرعقلانی بودن این شنیده او را مطرح می‌کرد، با ذهن ظاهرگرایی ابوقره سازگار نبود و فرصتی برای درک وی نمی‌ماند. از این رو، برای اقناع مخاطب و همراهی کردن وی به ادامه استدلال، از تشبیه برای حاشیه راندن اندیشه باطل ابوقره و اعتقاد نادرست مجوس و نصاری را به او متذکر شد.

سپس امام<sup>(ع)</sup> با تبیین عقلی به حاشیه راندن باور نادرست ابوقره، و برجسته‌سازی استدلال عقلی خویش در قالب جمله اسمیه و ادوات حصر و تأکید که دلالت بر حتمیت و قطعیت استدلال دارد، بیان کرد که این اعتقاد مردود است؛ و سپس با حرف تعلیل و حرف تأکید «لأن» به ادامه استدلال پرداخت که لازمه این باور، تجزیه و ترکیب، اختلاف و دگرگونی است. چیزی که دارای اجزاست تجزیه و ترکیب، اختلاف و دگرگونی را می‌پذیرد، و عقل در آن زیادت و

نقضان را توهم می‌کند؛ یعنی عقل حکم می‌کند که چیزی که دارای جزء باشد، زمینهٔ کم و زیاد شدن در او هست. اگر خدا چنین باشد مرکب خواهد شد که در تشخیص و تحقق خود نیاز به اجزای ذات خویش پیدا خواهد کرد تا این اجزا نباشد و به هم آمیخته نشوند، خدای جهان تحقق نمی‌پذیرد.

«و اگر جزء بودن کلام الهی را مانند باور و اعتقاد نصاری و مجوس بپذیریم محذورات زیر لازم خواهد آمد:

الف: خداوند در تحقق خود به غیر (یعنی اجزا) نیاز خواهد داشت، در حالی که موجود نیازمند هیچ گاه خدا نخواهد بود؛ زیرا نیاز و احتیاج از صفات امکانی است و با وجوب وجود سازگار نیست.

ب: آیا اجزایی که واجب را تشکیل می‌هند واجب الوجود هستند یا ممکن الوجود؟ اگر واجب الوجود باشند در این صورت به جای خدای یگانه خداهای متعدد خواهد بود؛ و اگر هرکدام از آنها ممکن الوجود باشند، در تحققشان نیاز به علتی خواهد داشت که به آنها هستی ببخشد و در این صورت برای تک تک این اجزا خدایی لازم است؛ و نتیجهٔ این جزء این نمی‌شود که هر یک از اجزا و خدایی که از ترکیب اینها به وجود می‌آید، معلول و مخلوق آن خدایی باشند که به همهٔ آنها وجود بخشیده است و قهرا باید آن خدا بسط و هیچ جزء و ترکیبی نداشته باشد؛ زیرا در غیر این صورت به سرنوشت خدای مرکب دچار خواهد گشت.» (بنایی، ۱۳۷۸ش: ۲۹۱)

#### نتیجه

گفتمان مجموعه‌ای از نشانه‌هاست که به صورت فراگیر به شکل دهی رفتارهای فردی و اجتماعی جامعه می‌پردازد. در هر نظم گفتمانی مجموعه‌ای از قوانین و قراردادها وضع می‌شود که به ساختاربندهی اصول گفتمانی می‌پردازد. کنشگران با هدف‌های ایدئولوژیک مطمح‌نظر خود اقدام به وارد کردن نشانه‌ها در چارچوب گفتمانی می‌کنند و این جاست که زبان به عنوان بخش مهم سازندهٔ گفتمان وارد عرصه می‌شود و به صورت نرم افزاری به تثبیت معنای مورد نظر کنشگران می‌پردازد.

تأکید اصلی این پژوهش بر روی سخنان امام رضا (ع) است و تحلیلی که صورت می‌گیرد بر مبنای سخنان ایشان است. در واقع سخنان امام در مرکز کار پژوهش قرار دارد، و تحلیلی است

در حوزه زبان شناسی که با کلمات و عبارات سخنان ایشان سروکار دارد، و از لابه‌لای کلمات و عبارات و سخنان ایشان اهداف حضور امام<sup>(ع)</sup> در جلسه مناظرات معلوم می‌گردد. و از روی سخنان امام رضا می‌توان ایدئولوژی ایشان را در لابه‌لای کلمات نهفته است، آشکار نمود و مرز خودی و غیرخودی را بیان کرد. امام<sup>(ع)</sup> و ابوقره نیز متناسب با سیر تحولات سیاسی، اجتماعی، دینی و فضای حاکم دوران خود به تثبیت نشانه‌ها در چارچوب گفتمان خود می‌پردازند. در یک چارچوب گفتمانی، محوری‌ترین نشانه در مرکز قرار گرفته و سایر عناصر در پیوند با آن قرار می‌گیرند، این پژوهش توجه خود را معطوف به چگونگی کارکرد برجسته سازی و حاشیه رانی در مناظره قرار گرفته است.

امام<sup>(ع)</sup> با استفاده از سازکارهای زبانی و موقعیتی به کنترل فکر و عقاید ابوقره می‌پردازد تا از این طریق به اثبات مفاهیم محوری در مناظره بپردازد و به آن استمرار بخشد. دلالت‌های زبانی که امام رضا<sup>(ع)</sup> برای اقناع و اثرگذاری در مخاطب بکار گرفته است عبارتند از:

- تکرار ضمنی و تضاد و ذکر خاص بعد از عام در محورهای اصلی می‌تواند نقشی مهم در برجسته‌سازی مفهوم اصلی گفتمان داشته باشد.
  - بکار بردن ادوات استفهام، برای قرار دادن مخاطب در موضع انفعال و اقناع پذیری.
  - به کار بردن اسم مصدر برای تأکید و تقویت گفتمان امام و به حاشیه راندن سخنان ابوقره جزء کلمات محوری در رساندن مفهوم اصلی مناظره.
  - ادوات ربط «واو» و حرف «لکن» که در انسجام و پیکره‌بندی گفتمان عنصری مهم هست و همچنین در رساندن دوال فرعی به دال اصلی نقش اساسی دارد.
  - به کار بردن فعل ماضی به همراه حرف تحقیق «قد»، برای اقرارگرفتن از طرف مقابل و هدایت وی به حق و تأیید و تصدیق گفتار متکلم همچنین دلالت این افعال بر قطعیت و انکارناپذیری.
  - استفاده بینامتنیت قرآنی یا نهج البلاغه در برجسته‌سازی محورهای گفتمان امام رضا برای به حاشیه راندن سؤالات و جواب ابوقره.
- در مجموع بهره‌گیری از ادوات زبانی که نقشی مهم در انتقال پیام به مخاطب ایفا می‌کند که در زندگی اهل بیت موجب ماندگاری و استمرار عقاید و افکار آنان در قرون ماضی گردیده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. صفوان بن یحیی به امام رضا <sup>(ع)</sup> عرض کرد: «فدایت شوم! دربارهٔ سخن گفتن خداوند با موسی برایم بگو.» فرمود: «خدا می‌داند که با چه زبانی با او سخن گفته است، با زبان سریانی یا با زبان عبرانی.» ابوقره زبانش را به دست گرفت و گفت: «از این زبان پرسیدم.» امام رضا فرمود: «خداوند منزّه است از آنچه می‌گویی. پناه بر خدا که او شبیه مخلوقاتش باشد یا آن چنان که آنها سخن می‌گویند، سخن بگوید. هیچ چیز شبیه او نیست و هیچ قائل و فاعلی مانند او نیست.» او گفت: «چگونه؟» فرمود: «سخن گفتن خالق با مخلوق مانند سخن گفتن مخلوق با خالق نیست. او با دهان و زبان صحبت نمی‌کند؛ ولی به او می‌گوید باش پس می‌شود. خداوند با اراده و مشیت خود موسی را خطاب کرد و به او امر و نهی کرد بدون به کارگیری جان و روح.»
۲. شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن بگوید، مگر از طریق وحی، یا از ورای حجاب، یا رسولی می‌فرستد و به فرمان او آنچه را بخواهد وحی می‌کند؛ چرا که او بلندمقام و حکیم است.
۳. از علی <sup>(ع)</sup> نیز نقل شده: «خبر می‌دهد نه به وسیلهٔ زبان و زبانکها، و می‌شنود نه به شکافها (گوشها) و آلت‌های شنیدن، سخن می‌گوید نه به الفاظ، حفظ می‌کند و خود نیاز به حفظ کردن ندارد و اراده می‌کند بدون اندیشه، دوست می‌دارد و خشنود می‌شود از روی رقت و مهربانی، و دشمن می‌دارد و به خشم می‌آید نه به سبب مشقت و رنج.» (نهج البلاغه / خطبهٔ ۱۸۴)
۴. ابوقره گفت: «پس دربارهٔ کتاب‌های آسمانی چه می‌گویی؟» امام رضا <sup>(ع)</sup> فرمود: «تورات، انجیل، زبور، فرقان و هر کتابی که نازل شده کلام خداوند است که آنها را نور و هدایتی برای عالمیان نازل کرده است. تمام آنها حادث و غیر از خدا بودند. خداوند در این باره می‌فرماید: «ذکر را برای آنها حادث می‌کند» و نیز فرموده است: «هیچ ذکر [و کتاب] حادثی از سوی پروردگار نیامد، مگر اینکه در حال لعب و بازی به آن گوش می‌دادند.» و خداوند تمام کتاب‌هایی را که نازل کرده، به وجود آورده است.» ابوقره گفت: «آیا [آن کتاب‌ها] از بین می‌رود؟» امام رضا <sup>(ع)</sup> فرمود: «همهٔ مسلمانان قبول دارند که هر چیزی غیر از خدا از بین می‌رود و غیر خدا، فعل خداست و تورات، انجیل، زبور و قرآن فعل الهی است. مگر نشنیده‌ای که مردم می‌گویند: «پروردگار قرآن» و قرآن در روز قیامت می‌گوید: «ای پروردگار من! این فلانی است - در حالی که خداوند بهتر او را می‌شناسد- در روز تشنه‌اش کردم و شبش را بیدار نگه داشتم، پس شفاعت مرا در حق او بپذیر.» تورات، انجیل و زبور همگی حادث هستند و تدبیر شدهٔ پروردگار. کسی آنها را حادث کرده است که ماندنی ندارد تا قومی که می‌اندیشد هدایت شوند. پس هر کس گمان کند که آنها ازلی‌اند، معتقد شده که خداوند نه اول و قدیم است و نه یکتا. کلام الهی همیشه با او بوده است و ابتدا ندارد و خدا نیست.»
۵. و این گونه آن را قرآنی عربی نازل کردیم، و انواع وعیدها را در آن بازگو نمودیم، شاید آنها تقوا پیشه کنند، یا برای آنان (ذکر) تذکری ایجاد نماید.
۶. هر یادآوری تازه‌ای از طرف پروردگارشان برای آنها بیاید با لعب و شوخی به آن گوش فرا می‌دهند.
۷. اگر کلام الهی قدیم بود خدای دوم می‌شد.
۸. ابوقره گفت: «برای ما روایت شده است که تمام کتاب‌های آسمانی در روز قیامت، در حالی که مردم در یک سرزمین، صف در صف، در برابر محکمهٔ الهی ایستاده‌اند و می‌نگرند، می‌آیند تا اینکه به سوی خدا برمی‌گردند؛

زیرا آن‌ها از او و جزئی از اویند. پس به او باز می‌گردند.» امام رضا<sup>(ع)</sup> فرمود: «مسیحیان نیز این چنین درباره مسیح گفتند: «او روح خدا و جزئی از اوست و به او باز می‌گردد.» و مجوس درباره آتش و خورشید نیز چنین گفتند: «آن دو از خدایند و به او باز می‌گردند.» بزرگ است پروردگار ما از اینکه جزءپذیر یا دارای اختلاف باشد. چون چیز جزء پذیر توهمی و قابل تصور است، جزء دارد و گردآوری می‌شود. کمی و زیادی، مخلوق است و دلالت می‌کند و بر خالق که آن را خلق کرده است.»

## منابع و مأخذ

### الف) منابع فارسی

- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی، تکوین تحلیل گفتمان در زبان شناسی*؛ چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۷ق). *عیون أخبار الرضا*؛ چاپ اول، تهران: انتشارات جهان.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱). *کشف الغمّه فی معرفه الائمه*؛ تبریز: مکتبه بنی هاشمی دنیای کتاب.
- البحرانی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم. (۱۳۶۲). *شرح نهج البلاغه*؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- بهرام پور، شعبانعلی. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان نوشته نورمن فرکلاف*؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- حسینی شاهرودی، سیدتقی. (۱۳۹۳). *ترجمه و شرح چند احتجاج امام رضا*؛ چاپ دوم، مشهد: انتشارات بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا<sup>(ع)</sup> و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- خادمی، فاطمه و دیگران. (۱۳۹۵). «*راهبرهای تقریب ادیان و مذاهب در سیره رضوی با تأکید بر مناظرات و احتجاجات*»؛ فصلنامه فرهنگ رضوی، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۵۴-۳۱.
- سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۷۸). *قدرت و گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*؛ تهران: نشر نی.



- سیدی بنایی، سید باقر. (۱۳۸۷). *اندیشه های سبز (بررسی و تحلیل فلسفی و کلامی مناظره های امام رضا علیه السلام)*؛ چاپ اول، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۸). *دراسه و نقد فی مسائل بلاغیه هامه*؛ چاپ سوم، تهران: سازمان سمت و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۸۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*؛ ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران؛ چاپ سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
- لطفی پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). «*درآمدی به سخن کاوی*»؛ مجله زبان شناسی، سال نهم، شماره ۱، صص ۹-۴۰.
- لوبون، گوستاو. (۱۳۷۴). *تمدن اسلام و عرب*؛ ترجمه هاشم حسینی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). *فروع الکافی*؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۸۵). *بحار الانوار*؛ ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی، تهران: انتشارات اصلاحی.
- مجیدی، حسن. (۱۳۹۲). «*تحلیل گفتمان مناظره های امام رضا (ع)*»؛ فصلنامه فرهنگ رضوی، سال اول، شماره ۲، صص ۹ تا ۴۰.
- مرتضوی، سید محمد. (۱۳۷۵). *نهضت کلامی در عصر امام رضا (ع)*؛ چاپ اول، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

#### ب) منابع عربی

- القرآن الکریم.
- زیدان، جرجی. (۱۹۲۴م). *تاریخ التمدن الاسلامی*؛ قاهره: مطبعة الهلال.
- الصابونی، محمدعلی. (۱۹۷۶م). *صفوه التفاسیر*؛ مکه المکرمه: مکتبه جده.
- صالح السامرائی، فاضل. (۲۰۰۷م). *معانی النحو: الطبعة الاولى*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- الطباطبایی، محمد حسین. (بی تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج علی أهل اللجاج*؛ چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی.

- عکاشه، محمود. (۲۰۰۵م). *التحليل اللغوي في ضوء علم الدلالة: الطبعة الاولى*، القاهرة: دارالنشر للجامعات.

ج) منابع لاتین

- Van Dijk, T.A. (1995). *Discourse Analysis as Ideology Analysis*, In Wenden, A. and C. Schaffner (eds), *Language and Peace* (In Press).

- ----- (2006). *Ideology and Discourse Analysis*,. In *Journal of Political*.

- Van Leeuwen, Theo.(2008). *Discourse & Practice: New Tools for Critical Discourse Analysis*, Oxford: Oxford University Press.

فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)

(علمی - پژوهشی)

سال هشتم، دوره جدید، شماره بیست و هشتم، تابستان ۱۳۹۶

الاتجاهات اللسانية في تحليل الخطاب مناظرة الإمام الرضا<sup>(ع)</sup> مع أبي قرّة (صاحب شبرمة)

(دراسة الحالة للكلام الإلهي)\*

زری انصاری نیا. طالب دكتوراه في اللغة العربية وآدابها في جامعة الزهراء (س)

انسیه خزعلی، أستاذ مشارك في اللغة العربية وآدابها. جامعة الزهراء

### الملخص

بدأت الحجة الاستدلالية حول المبادئ الإسلامية من القرآن نفسه، وتم طرحها في كلام النبي<sup>(ص)</sup> و المتبع في كلام أهل البيت عليهم السلام. وضع القرآن الكريم أساس الإيمان على التفكير والتعقل، و طالما يطلب من الناس أن يجعلوا من التفكير وسيلة لترسيخ الإيمان؛ والاعتقاد بأن الله موجود و هو الواحد الأحد، يجب أن يبرهن للإنسان بالأدلة القوية والحجج اليقينية. كما أن الإمام الرضا عليه السلام من خلال المناظرات مع الفرق المختلفة، قام بتعريف الأصول العقائدية في الإسلام و الدعوة للتفكير حولها، وفي عصرنا الحاضر، الاهتمام بالدقائق اللغوية و الاتجاهات العديدة في مجال تحليل الخطاب، يساعدنا في كشف حقيقة البنيات اللغوية الداخلية. يعتمد البحث على المنهج الوصفي التحليلي و يستند على اللسانيات و تحليل الخطاب. والتبيين العملي لهذا البحث يعتمد على الأدوات اللغوية؛ الإبراز والتهميش اللغويين التي تندرج ضمن المربع الإيديولوجي لفان دايك و بإمكانها أن تلعب دورا بارزا في الوصول إلى التحليل النهائي. إن الإمام<sup>(ع)</sup>، يتخذ من الأدوات اللغوية، وسيلة للتأثير في المخاطب و إقناعه و إحباط حجته. و في غضون ذلك، استخدام أداة التأكيد واسم المصدر والأفعال الخاصة و التناص القرآني يلعب دورا هاما في إبراز المحاور الأصلية لمناظرات الإمام<sup>(ع)</sup>. كما أن التسريب في الرد على أسئلة أبي قرّة و عدم استخدام التأكيد أو اس تعمال المناسب للاستفهام و استخدام الألفاظ التي تحمل معاني قليلة، ساهمت في تهميش بعض المفاهيم التي يقدمها المتنافس.

الكلمات الدليلية: تحليل الخطاب، المربع الإيديولوجي، الإمام الرضا<sup>(ع)</sup>، أبوقرة، الإبراز الأسلوب، التهميش.

\* - تاريخ الوصول: ۱۳۹۵/۱۲/۰۴ تاريخ القبول: ۱۳۹۶/۰۶/۰۳

عنوان بريد الكاتب الالكتروني (الكاتب المسؤول): z.ansarinia@alzahra.ac.ir